

همسایه‌ی خورشید



سلام بچه‌ها! اسم من مهدیار است، یک بچه مشهدی هستم. من هم مثل شما امام رضا (ع) را خیلی دوست دارم. ما خیلی زود به زود به زیارت آقا امام رضا (ع) می‌رویم، چون او آقا و امام مهربان ماست. آدم وقتی کسی را خیلی دوست دارد، دلش برای دیدن آن عزیزهی بهانه می‌گیرد. بچه‌تر که بودم، همیشه این سؤال در سرم چرخ می‌زد که این همه مردم از همه جای دنیا برای زیارت می‌آیند، یک وقت اگر جاکم بیاید، چه؟ اما بعدها که بزرگ‌تر شدم، فهمیدم حرم امام رضا جانمان مثل بهشت زیبا و بزرگ است و همیشه برای همه‌ی مهمانانش جا دارد. کوچک‌تر که بودم، فکر می‌کردم برای چه این همه زائر و مسافر در تابستان‌های داغ و زمستان‌های یخ‌بندان با تحمل سختی باز هم به زیارت امام هشتم می‌آیند! اما وقتی بزرگ‌تر شدم، فهمیدم این همه شوق زیارت به دلیل این است که آن‌ها هم عاشق امام رضا (ع) و مهربانی‌هایش هستند. امام رضا (ع) خیلی بزرگوار و مهربان است و می‌تواند به همه‌ی ما کمک کند. من همیشه وقتی به زیارت می‌روم، مطمئن هستم او به حرف‌های من گوش می‌دهد و به من کمک می‌کند. وقتی حرم می‌روم، فکر می‌کنم در بهشت هستم و همه‌ی غم‌ها و غصه‌هایم تمام می‌شود. خانه‌ی امام رضا (ع) خیلی بزرگ است و خادم‌هایش همه جا به مردم کمک‌های زیادی می‌کنند تا یک زیارت خوب داشته باشند.



این یه نعمته که حرم امام رضا چون توی کشور ماست. بفرمایید بریم زیارت!

زیارت یه آداب و ترتیبی داره؛ اول باید اجازه بگیریم برای وارد شدن.



سلام
امام رضا چون!
سلام ضامن آهو!
سلام کردن کار خیلی خوبیه. من همیشه به شماها هم سلام می‌کنم.

